

# بررسی فرایند کشف جرم غیرمشهود در قانون اجراءات جزایی

نعمت الله نوری\*

## چکیده

نوشتار حاضر به منظور بررسی فرایند کشف جرم غیرمشهود در نظام حقوقی افغانستان به رشته تحریر درآمده است. اساساً مأمورانی که در خط مقدم مبارزه با جرم قرار دارند نقش مهمی در اجرای عدالت جزایی ایفا می‌کنند؛ زیرا آنان مکلف‌اند که پس از وقوع جرم، (در جرائم مشهود بدون نیاز به دستور و در جرائم غیرمشهود با کسب دستور از مقام قضایی یا شُرُنوالی) وارد عمل شوند و نسبت به کشف جرم، تعقیب و دستگیری مجرمین، بازجویی از آنان و جمع‌آوری ادله جرم اقدام کنند، کلیه این اقدامات از پیچیدگی و اهمیت خاصی برخوردار است. متأسفانه قانون‌گذار افغان، تعریف مشخص از جرم غیرمشهود ارائه نکرده و هیچ مصداقی از آن را یادآور نشده است، اما با توجه به نظریه‌ها و دکترین حقوق به خوبی دانسته می‌شود که جرم غیرمشهود جرمی است که به شکل مخفی انجام شده و توسط اشخاص مشاهده نشده و مدت زمانی از ارتکاب آن گذشته باشد.

واژگان کلیدی: جرم غیر مشهود، کشف جرم، نظام حقوقی افغانستان، قانون اجراءات جزایی.

\* دانشجوی سال چهارم حقوق و علوم سیاسی، دبیراتمنت حقوق خصوصی و جزا، دانشگاه بلخ. شماره تماس ۰۷۶۷۶۸۵۹۲۹.

## مقدمه

در فرایند دادرسی کیفری مرحله کشف جرم و گردآوری ادله از سوی پلیس، بی‌گمان یکی از مراحل دقیق و حساس است که در اغلب کشورها به خصوص افغانستان این وظیفه به پلیس عدلی<sup>۱</sup> سپرده شده است. کشف جرم اولین و مهم‌ترین مرحله فرایند پنج مرحله‌ای دادرسی کیفری است<sup>۲</sup> که اساس و پایه رسیدگی‌های جزایی را تشکیل می‌دهد. تا جرمی کشف نشود چرخه دادرسی کیفری به حرکت در نخواهد آمد و مجرم مجازات نخواهد شد.<sup>۳</sup>

اساساً فرایند اجراءات کشف جرم غیرمشهود متفاوت از سایر جرائم است، گرچند در نظام حقوق افغانستان اصل به برائت و آزادی اشخاص است،<sup>۴</sup> اما قانون‌گذار تعریف مشخصی از جرم غیرمشهود ارائه نداده و این موضوع باعث شده است که روند اجراءات این جرم متفاوت از سایر جرایم باشد، زیرا در کشف جرم غیرمشهود اصل تخصص‌گرایی بیش‌تر، مورد توجه است.

طبق اساسات علم حقوق و قوانین، در جرم غیرمشهود اصولاً پولیس صلاحیت پیگیری جرم را ندارد، پیگیری این جرم از صلاحیت قاضی و خرنوال است. وقتی که یک جرم غیرمشهود به نیروی به اصطلاح پولیس اداری اعلام شود، مراتب وقوع جرم را پولیس اداری به خرنوالی اطلاع می‌دهد و با اخذ جواز از مقام خرنوالی، پولیس اداری اقدام به پیگیری جرم غیرمشهود و انجام تحقیقات مقدماتی برای پیدا کردن متهم و علل رخ دادن جرم می‌کنند و در صورت عدم جواز خرنوال یا محکمه پولیس اداری اقدام به کشف جرم غیرمشهود کرده نمی‌تواند. بلکه صاحب صلاحیت اصلی پولیس قضائی (قاضی یا خرنوال) است؛ زیرا برخورد با این جرائم صلاحیت، تخصص و احتیاط بیش‌تر را می‌طلبد.

به دلیل آن که جرم غیرمشهود با حوزه حق خلوت یا حریم خصوصی (مسکن افراد) ارتباط می‌گیرد. در نتیجه مطالب این مقاله در دو بخش که در بخش نخست، تعریف جرم غیرمشهود؛ جایگاه جرم غیرمشهود در قانون اجراءات جزایی، تفاوت بین جرم مشهود و غیرمشهود را بحث می‌نماییم. در بخش دوم، فرایند کشف جرم غیرمشهود؛ تسریع در بررسی صحنه جرم غیرمشهود، جمع‌آوری دلایل و اثبات جرم غیرمشهود بحث می‌شود.

---

۱. پلیس عدلی عبارت از مأمورین است که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم، تشخیص مرتکبین، دفع جرائم، جمع‌آوری و حفظ آثار و دلایل جرم جلوگیری از فرار و اختفای مظنون یا متهم به موجب مقررات قانون اقدام می‌کند. با در نظر داشت این تعریف می‌توان گفت که پلیس عدلی همان پلیس قضایی است که در کشور فرانسه از آن تعریف شده است. (لارگیه، ژان، ۱۳۷۸، ص ۶۳ الی ۶۴).

پولیس عدلی مأمورین که وظیفه کشف جرم، جمع‌آوری دلایل و تشخیص مجرم را مطابق به احکام قانون به عهد داشته باشد. رج؛ پالیسی آغاز مرحله کشف جرائم، وزارت امورداخله، معنیت پالیسی و استراتژی، شماره ثبت ۷۹، ص ۹.

۲. فرایند دادرسی کیفری به پنج مرحله، کشف جرم، تعقیب، تحقیق، دادرسی (محاکمه) و اجرای حکم تقسیم می‌شود.

اگر چه برخی عقیده دارند، مرحله کشف جرم مرحله مابقی دادرسی کیفری است و دادرسی کیفری رسماً شروع نمی‌شود، مگر از لحظاتی که مدعی تعقیب را به جریان اندازد و این دسته نیز بر این باورند که اولین مرحله رسمی یعنی تعقیب معمولاً مسبوق به یک مرحله ابتدایی یعنی جستجو و تأیید جرائم است. (استفانی، ژرژلوا سور، برنا بولک، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۱ و ۷۱۴).

۳. ماده ۲۵، قانون اساسی افغانستان «برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود.»

۴. ماده ۲۷، قانون اساسی «هیچ عمل جرم شمرده نمی‌شود، مگر به حکم قانون که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی‌توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود، مگر برطبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی‌توان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.»

۵. ماده ۳۸، قانون اساسی «مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص به شمول دولت، نمی‌تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید. در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می‌تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می‌کند قرار محکمه را حاصل نماید.»

## ۱. جرم غیر مشهود (Delit non flagrant)

به جرمی گفته می‌شود که به شکل مخفی انجام شده باشد و توسط اشخاص مشاهده نشده باشد (دانش، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۰۲). به عبارت دیگر، جرم غیرمشهود به جرایمی گفته می‌شود که از زمان ارتکاب آن مدتی گذشته است و برای اثبات آن به شهود آنی دسترسی نیست (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۷۹). جرم غیر مشهود، جرمی است که انتساب آن به مجرم، نیاز به اثبات دارد و تا قبل از تشکیل دادگاه و اعلام رأی، صرفاً در حد یک اتهام است (نوری، [https:// article.Tebyan.net](https://article.Tebyan.net)).

در جرم غیرمشهود، تشکیل دادگاه (محکمه) با دو هدف مشخص صورت می‌پذیرد. اول؛ اثبات جرم دوم؛ تعیین مجازات آن. مثلاً شخصی که از سوی دیگری متهم به قتل شده است و این قتل دور از چشم و میدان دید این و آن صورت گرفته باشد، قبل از آن که اتهام او در دادگاه یا محکمه به اثبات برسد، «مجرم» تلقی نمی‌شود و نمی‌توان او را به صرف اتهام اثبات نشده مستحق مجازات دانست.

### ۱-۱. جایگاه جرم غیر مشهود در قانون اجراءات جزایی

منظور از این بحث آن است که بدانیم آیا مصادیق جرم غیرمشهود را قانون‌گذار در قانون اجراءات جزایی یادآور شده است یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که جرم غیرمشهود هنوز در قوانین جزایی افغانستان به‌خصوص قانون اجراءات جزایی تعریف مشخص نشده و هیچ مصداق از این جرائم را قانون‌گذار یادآور نشده است. قابل تعمق است که قانون اجراءات جزایی فعلی افغانستان، هرچند به‌طوری صریح از جرم غیرمشهود یاد نکرده‌اند، اما از عبارت پردازی قانون‌گذار در برخی موارد می‌توان حکم جرم غیر مشهود را به‌طور متفاوت و متمایز و در تقابل با جرم مشهود دانست.

به عنوان نمونه، بند ۲ ماده ۸۱ قانون اجراءات جزایی، بعد از این که احکام جرم مشهود را بیان می‌کند، به عنوان یک مورد دیگر، از موارد جواز گرفتاری مظنون از سوی پولیس و مأمورین امنیت ملی، می‌افزاید: «(۲) شخص که به حیث مرتکب جرم جنایت شناسایی یا معرفی شده باشد و احتمالی فرار و غایب شدن او متصور باشد.»

به نظر میرسد این عبارت به دلایل زیر، به جرم غیر مشهود ارتباط دارد:

۱. این فقره با وجود که به جرم مشهود مشابهت دارد؛ اما جرم مشهود به حساب نمی‌آید؛ زیرا در ماده ۸۲ که در آن جرم مشهود تعریف شده است در فقره ۲ آن یکی از حالت‌های جرم مشهود را چنین بیان می‌کند: «مرتکب بعد از ارتکاب جرم، فرار و بلافاصله از طرف مجنی علیه، پولیس یا مردم شناسایی یا بالفعل تعقیب شود.» چنانکه ملاحظ می‌شود مطابق ماده ۸۲، جرم در حالتی مشهود است که مرتکب جرم را انجام داده و در حال فرار باشد که بلافاصله شناسایی شده و یا تعقیب شود؛ اما در ماده ۸۱، نخست این که شرط «بلافاصله» نیامده و در گام دوم حالت فرار و تعقیب مرتکب از سوی مجنی علیه، پولیس و مردم بعد از ارتکاب جرم، شرط نشده است.

۶. ماده ۲۵، قانون اساسی افغانستان: برائت ذمه حالت اصلی است، متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگردیده، بی‌گناه شناخته می‌شود.

۷. ماده ۸۱، قانون اجراءات جزایی «پولیس و مؤلف امنیت ملی می‌توانند به صلاحیت خود در حالات ذیل شخص را گرفتار نمایند:

(۱) در صورت ارتکاب جرم مشهود جنایت یا جنحه که جزای آن حبس متوسط در قانون پیش بینی شده باشد. (۲) شخص که به حیث مرتکب جرم جنایت شناسایی یا قلمداد شده است، احتمال فرار و غایب شدن او متصور باشد.»

۸. جنایت جرمی است که جزای آن در این قانون حبس طویل، حبس دوام درجه ۲، حبس دوام درجه ۱ و یا اعدام تعیین شده باشد. (کود جزای

افغانستان، ماده ۳۱).

۲. قانون‌گذار در بند اول این ماده<sup>۹</sup> احکام جرم مشهود را بیان کرده است و اگر این عبارت فقره (۲) ماده ۸۱ را بازهم به جرم مشهود ارتباط دهیم، ذکر این عبارت در قانون کاملاً لغو می‌شود و اضافه بر بند ۱، هیچ موضوعی را بیان نمی‌کند. چون تمام مفاد آن، در محتوای بند ۱، نهفته است. صرف با ارتباط دادن آن به جرائم غیرمشهود است که این عبارت، معنای مفید پیدا می‌کند. کلمات «به حیث مرتکب جرم جنایت شناسایی یا معرفی شده است.» هم همین معنا را افاده می‌کند؛ یعنی مأمورین ضبط قضایی ندیده است که وی مرتکب جرم شده است، بلکه فرد یاد شده به حیث مرتکب جرم شناسایی یا از سوی دیگران معرفی شده است (جرم غیرمشهود). چه بسا این شناسایی و معرفی مظنون، می‌تواند از سوی خرنوال یا قاضی باشد و آن‌ها به پولیس دستور می‌دهند که وی را گرفتار نماید.

متأسفانه در شرایط فعلی افغانستان، برداشت صحیحی از جرم غیرمشهود، در مرحله عملی چندان مشاهده نمی‌شود. به همین دلیل گاهی دیده می‌شود که مأمورین ضبط قضایی با تفسیر موسع از جرم مشهود، برخی جرائم غیر مشهود را نیز مشهود دانسته و به عنوان جرم مشهود با آن برخورد می‌نمایند و به این ترتیب از اساسات حقوقی، عدول کرده و اختیارات خویش را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر از سوی مقامات بالاتر یا مراجع قضایی، کنترلی هم وجود ندارد که با اینگونه تخطی‌ها برخورد قانونی صورت گیرد.

بنابر این پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار افغانی به دیده ژرف نگاه کند و مصداق‌های بارز جرم غیرمشهود را در قانون به‌طوری صریح ذکر نماید تا مأمورین ضبط قضایی بتواند خوب‌تر تشخیص دهد که کدام جرم مشهود و کدام جرم غیر مشهود است. در نتیجه می‌توان گفت که قانون‌گذار افغان در قوانین جزایی مخصوصاً قوانین شکلی به‌طوری صریح از جرم غیرمشهود یادآور نشده است، اما به‌طور ضمنی از عبارت پردازی قانون‌گذار می‌توان مفهوم جرم غیرمشهود را استخراج نمود.

#### ۲-۱. تفاوت میان جرم مشهود و غیرمشهود

جرائم مشهود و جرائم غیرمشهود<sup>۱۰</sup> از جمله اصطلاحاتی است که امروزه در حوزه حقوق دارای اهمیت زیادی است و کاربرد فراوانی در نحوه رسیدگی به دعاوی جزایی دارد لذا لازم است که به آن پرداخته شود و تفاوت‌های آن به درستی بیان گردد؛ بنابراین قانون‌گذار تعریف مشخصی از جرم غیرمشهود ارائه نداده است و این موضوع موجب شده است تا در تعریف این مهم اختلاف به وجود بیاید.

در حقوق جزا، جرائم از منظر عنصر مادی جرم به اعتبار زمانی، از لحظه مشاهده آن به جرائم مشهود و غیر مشهود تقسیم می‌شوند. «این تقسیم‌بندی در فقه از نظر اثبات جرم با شهادت شاهدان و نیز با توجه به لزوم امر به معروف و نهی از منکر با مشاهده ارتکاب جرم، اهمیت دارد.» (عوده، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۶).

قوانین شکلی افغانستان و بعضی کشورهای که پیروی خانواده حقوقی رومن-ژرمن هستند، در مورد جرائم مشهود آیین رسیدگی سریع و با حد اقل تشریفات را پذیرفته‌اند، و قوانین ماهوی نیز به تشدید مجازات و جرم‌انگاری خاص در مورد جرایمی که به نحوه مشهود واقع می‌شوند پرداخته‌اند. بنابراین از آن‌جا که مفهوم جرم مشهود در منابع اسلامی با لفظ مشهود، تعریف نشده و سابقه ندارد لذا در مطالعات تطبیقی می‌بایست، مفهوم مورد نظر را با لفظ «معادل» آن

<sup>۹</sup>. ماده ۸۱، قانون اجراءات جزایی: پولیس و مؤظف امنیت ملی می‌توانند به صلاحیت خود در حالات ذیل شخص را گرفتار نمایند:

(۱) در صورت ارتکاب جرم مشهود جنایت یا جنحه که جزای آن حبس متوسط در قانون پیش بینی شده باشد.»

Delit flagrant.<sup>۱۰</sup>

Delit non flagrant.<sup>۱۱</sup>

جستجو کرد. به نظر می‌رسد، نزدیک‌ترین واژگان در منابع اصیل اسلامی که دلالت مفهومی بر معنای مورد نظر، جرم مشهود، داشته باشد، به ترتیب عبارت‌اند، از: «تجاهر»<sup>۱۲</sup> و «تظاهر»<sup>۱۳</sup> به گناه و فسق، می‌باشد.

رویکرد دیگر این که جرم غیرمشهود در تقسیم‌بندی جرائم در مقابل جرم مشهود قرار گرفته، اما در قوانین شکلی افغانستان هنوز مفهوم واضح از این جرم را قانون‌گذار یادآور نشده است، ولی استادان حقوق در کتب درسی‌شان به‌طور کلی از این جرم در بعضی موارد یادآور شده است.<sup>۱۴</sup>

ناگفته نباید گذاشت که قانون‌گذار تعریف مشخصی از جرم غیرمشهود ارائه نکرده است، اما از عبارت‌پردازی قانون‌گذار در بسیاری از موارد دانسته می‌شود که جرم غیرمشهود جرمی است که مدت از ارتکاب آن گذشته است و یا جرم غیرمشهود جرمی است که در خفاء صورت گرفته باشد و به همین دلیل اثبات جرم غیرمشهود به راحتی صورت نمی‌گیرد. مثلاً، شخص ادعا می‌نماید که احمد شب گذشته پدرم را در خانه‌اش به قتل رسانده، اینجا جرم رخ داده (قتل در خانه) یک جرم غیرمشهود است و تا قبل از اینکه ثابت شود صرفاً یک اتهام است؛ اما جرم مشهود جرمی است که در محل رؤیت و مشاهده مأمور ضبط قضایی یا در مکان عمومی و محلی که همه می‌تواند رفت و آمد نمایند، رخ دهد؛ بنابراین نتیجه کلی از وجوه افتراق این دو مهم این است که یکی، در مکان عمومی اتفاق می‌افتد و دیگری، در مکان مخفی دور از دید عوام رخ می‌دهد.

هرچند قانون‌گذار فرانسه که خاستگاه اصلی سیستم حقوقی رومن-ژرمن در آنجا است مصداق‌های بارزی جرم مشهود را یادآور شده<sup>۱۵</sup> است اما از جرم غیرمشهود خبری نیست. همچنان در قوانین بسیار از کشورها به شمول افغانستان مصداق‌های بارزی از جرم مشهود یا در قوانین متنی یا شکلی‌شان به‌طور صریح قانون‌گذار مشخص نموده است که در افغانستان قانون‌گذار در قانون شکلی یعنی قانون اجراءات جزایی مصداق‌های کلی جرم مشهود را بیان نموده است.<sup>۱۶</sup>

باید توجه کرد که جرم مشهود دو نوع‌اند یکی جرم مشهود حقیقی و دیگری، جرم مشهود حکمی وجوه افتراق بین این دو مهم این است: که جرم مشهود حقیقی جرمی است؛ که مأمور ضبط قضایی خود حقیقتاً وقوع جرم را روایت کرده باشد که در تشخیص این نوع کدام مشکلی وجود ندارد؛ اما جرم مشهود حکمی مواردی است؛ که در حقیقت مشهود نیست ولی قانون‌گذار به علت وضعیت خاص وقوع، آن را مشهود تلقی می‌کند. احراز یا تشخیص جرم در این‌گونه موارد به کمک ادله، یا قراین مادی یا براهین عقلی که امکان انتساب عمل مجرمانه به شخص معین را متصور می‌سازد، صورت می‌گیرد (علامه، ۱۳۹۴، ص ۷۹).

بنابراین، مصداق‌های بارزی جرم غیرمشهود را گرچند قانون‌گذار مشخص ننموده است، اما می‌توان گفت همان جرائم که در خفا صورت گرفته باشد مصداق جرم غیرمشهود است. مثلاً شخص ادعا می‌نماید که احمد شب گذشته پدرم را در خانه‌اش به قتل رسانده، اینجا جرمی که رخ داده (قتل در خانه) یک جرم غیرمشهود است و تا قبل از اینکه

<sup>۱۲</sup>. «تجاهراً [جهراً] بالأمر» در قاموس قرآن «جهراً» به معنی آشکار شدن و آشکار کردن آمده است، اعم از آن که به وسیله دیدن باشد یا شنیدن (حل، آیه ۷۵)، و (رعد، آیه ۱۰)، پس به این معنا «جهراً» هم قولی است و هم فعلی.

<sup>۱۳</sup>. فرهنگ ابجدی فارسی - عربی «تظاهر [أظهر]» را به معنای تظاهر کردن آورده است.

<sup>۱۴</sup>. جرم غیرمشهود جرمی است که در مکان در بسته و محصور که افراد حق دسترسی و رفت آمد به آنجا ندارند ارتکاب یابد (علامه، ۱۳۹۴، ص ۷۹).

<sup>۱۵</sup>. ماده ۵۳، قانون اجراءات جزایی فرانسه: جنایت یا جنحه ای مشهود محسوب می‌شود که هم اکنون ارتکاب شود یا لحظاتی قبل ارتکاب شده باشد.

<sup>۱۶</sup>. ماده ۸۲، قانون اجراءات جزایی جرم در یکی از احوال آتی مشهود شمرده می‌شود: (۱) مرتکب حین ارتکاب جرم یا اندکی بعد از ارتکاب، مشاهده یا بلافاصله از طرف مردم گرفتار شود. (۲) مرتکب بعد از ارتکاب جرم، فرار و بلافاصله از طرف مجنی علیه، پولیس یا مردم شناسائی یا بالفعل تعقیب شود. (۳) در صورت که شخص در محل واقعه با سلاح یا اشیائی گرفتار شود که وضع موجود بر فاعل بودن شخص و استعمال اشیای مذکور در جرم ارتکاب شده دلالت نماید.

ثابت شود صرفاً یک اتهام است. یا کسی ادعا می‌نماید که فلان شخص بالایم تجاوز کرد تا قبل از اثبات، جرم غیرمشهود است؛ و مصداق‌های دیگری هم وجود دارد که به خاطر اطلاع بحث صرف نظر می‌نمائیم.

در نتیجه جرم مشهود و غیرمشهود از دو جهت باهم متفاوت است، یک، از جهت وقوع جرم؛ که جرم مشهود در محضر عام و غیرمشهود در خفا، اتفاق می‌افتد. دوم از جهت مرجع کشف؛ کشف جرم مشهود توسط پولیس و کشف جرم غیرمشهود توسط خائنوال صورت می‌گیرد که در ادامه در این مورد مفصل بحث می‌نماییم.

## ۲. فرایند کشف جرم غیرمشهود

اساسی‌ترین محور بحث در این بخش این است که کشف جرم چیست؟ و جرم غیرمشهود چگونه کشف می‌شود؟ یا به عبارت دیگر، آیا کشف جرم غیرمشهود از صلاحیت پولیس اداری است یا قضایی؟ اصطلاح کشف در لغت به معنای برملاشدن، ظاهر شدن و آشکار شدن آمد است (دهخدا، سایت <http://www.vajaeyab.com/dehkoda>).

جرم یک واژه عربی است و در لغت به معنی گناه، اشتباه، کسب و ارتکاب یک عمل زشت و ناپسند می‌باشد. لاکیب هر دو کلمه کشف و جرم به معنای برملا کردن گناه ظاهر شدن گناه، آشکار شدن گناه استعمال می‌گردد. اطلاق جرم در اصطلاح فقهای اسلامی عبارت از ارتکاب فعل ممنوعه و حرام می‌باشد که مجازات در پی داشته و یا ترک فعل مأموربها که مجازات در پی داشته باشد؛ بنابراین تعریف، جرم فعل یا ترک فعل است که مجازات در پی داشته باشد، چه این مجازات در دنیا باشد و یا در آخرت (ابوزهره، بی‌تا، ص ۲۰). این یک تعریف عام و کلی بوده که در برگزیده واژه‌های مماثل چون گناه و معصیت نیز می‌گردد؛ با این توضیح که اعمال زشتی چون غیبت و یا ادا نکردن حج توسط شخص که حج بالایش، فرض از دیدگاه (اهل تسنن) یا واجب از دیدگاه مذهب (جعفری)، گردیده نیز تحت تعریف جرم می‌آید، در حالی که چنین اعمال تنها مجازات اخروی داشته و شامل در تعریف جرم به معنی حقوقی آن نمی‌شود. کشف جرم عبارت از اجرائی است که به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم و تشخیص مرتکب آن، نحوه و علت ارتکاب، تثبیت محل و حفظ آثار و اشیای متعلق به جرم ارتکاب یافته، صورت می‌گیرد (قانون اجرائی جزایی، فقهر ۱، ماده ۴). در اصطلاح حقوقی، کشف جرم، مجموع فعالیت‌ها و اجرائات تخنکی است که به منظور در یافت واقعیت‌ها یا حقایق جرمی، توسط ارگان‌های کشف در مطابقت به احکام قانون صورت گرفته و منتج به تداوم کار تحقیقاتی و قضائی می‌گردد.

کشف جرم اولین و مهم‌ترین مرحله فرایند پنج مرحله‌ای دادرسی کیفری است. کشف جرم یکی از مراحل حساس و مهم در مورد رسیدگی‌های جزایی است که اساس و پایه رسیدگی‌های جزایی را تشکیل می‌دهد. تا جرمی کشف نشود چرخه دادرسی کیفری به حرکت در نخواهد آمد و مجرم مجازات نخواهد شد. لذا ضروری است در این مرحله توجه بیش‌تر صورت گیرد، از یک طرف کوشش شود تا هر نوع جرمی که واقع می‌شود کشف شود تا مرتکب جرم گرفتار و مورد تعقیب عدلی قرار داده شود و از جانب دیگر دقت لازم به خرج داده شود تا بی‌گناهی به‌ناحق تحت تعقیب عدلی قرار نگیرد و به حقوق و آزادی‌های وی حرمت گذاشته شود.

<sup>۱۷</sup>. معجم الغنی و المحيط، واژه جرم.

<sup>۱۸</sup>. فرایند دادرسی کیفری به پنج مرحله، کشف جرم، تعقیب، تحقیق، دادرسی (محاکمه) و اجرای حکم تقسیم می‌شود.

اگر چه برخی عقیده دارند، مرحله کشف جرم مرحله مابقی دادرسی کیفری است و دادرسی کیفری رسماً شروع نمی‌شود، مگر از لحظ ای که مدعی تعقیب را به جریان اندازد و این دسته نیز بر این باورند که اولین مرحله رسمی یعنی تعقیب معمولاً مسبوق به یک مرحله ابتدایی یعنی جستجو و تأیید جرائم است. (استفانی، ژرژ لولاسور، برنا بولک، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۱ و ۷۱۴).

نکته دیگر در این مورد این است که در جهان جرایمی واقع می‌شود که تعداد زیاد آن کشف نمی‌شود، این امر در مورد اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از ارتکاب جرم، تثبیت علل و عوامل و ازمیان رفتن آثار آن تأثیر خواهد داشت. لذا؛ تا زمانی که جرم کشف نشود، هیچ‌گونه اجراءات در زمینه صورت گرفته نمی‌تواند. طبق حکم ماده ۱۳۴ قانون اساسی ج.ا.ا.<sup>۱۹</sup> و احکام قانون اجراءات جزایی، کشف جرم از جمله وظایف و صلاحیت‌های پولیس می‌باشد. بنابر این لازم به ذکر است که هر چند قانون اساسی از پولیس یاد کرده و وظیفه کشف جرم را به این نهاد سپرده، اما قوانین عادی یعنی قانون اجراءات جزایی وظایفی را بدوش یک عده از مأمورین نهاده است که با کشف جرم در ارتباط است و مأمورین مورد نظر «مأمورین ضبط قضایی» نامیده می‌شود. مأمورین قضایی یا ضابطین قضایی؛ کسانی هستند که مسؤل اجرای امور عدلی قضایی است. بند ۲ ماده چهارم قانون اجراءات جزایی، مأمورین ضبط قضایی را به شرح زیر معرفی نموده است:

«مأمور ضبط قضایی شخصی است که مطابق احکام این قانون صلاحیت جمع‌آوری دلایل اثبات و استجواب را در حدود احکام این قانون به عهده داشته باشد و عبارت‌اند از:

- مؤلف ریاست عمومی امنیت ملی
- مفتش اداره عالی تفتیش
- مؤلف تفتیش داخلی وزارت‌ها و ادارات دولتی
- مؤلف اداره مبارزه علیه فساد اداری.

طبق معمول، در همه کشورها ضابطان یا مأمورین دادگستری مسؤل کشف جرم‌اند. این ضابطان دادگستری به سه دسته تقسیم شده‌اند:

- ضابطان عام
- ضابطان خاص
- ضابطان نظامی (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶).

حال بحث این است که در مرحله کشف جرم غیرمشهود کدام یکی از این مأمورین یا ضابطان قضایی کسب مسؤلیت می‌کند؟

در این خصوص باید گفت که در افغانستان هر چند قانون خاصی وجود ندارد که ضابطان عام و خاص را تعریف و مشخص ساخته باشد؛ اما اگر بخواهیم قوانین را براساس اصول و قواعد حقوقی تحلیل نمائیم باید بگوئیم که اعضای پولیس ملی در افغانستان ضابطان قضایی عام شمرده می‌شود که صلاحیت کشف جرم غیرمشهود را ندارد، اما صلاحیت

---

<sup>۱۹</sup>. ماده ۱۳۴، قانون اساسی افغانستان «کشف جرائم، توسط پولیس و تحقیق جرائم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه از طرف خرنوالی مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد. خرنوال جزء قوه اجراییه و در اجراءات خود مستقل می‌باشد. تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت خرنوالی توسط قانون تنظیم می‌گردد. کشف و تحقیق جرائم و وظیفه‌های منسوبین قوای مسلح (اردو، پولیس، امنیت ملی)، پولیس و موظفین امنیت ملی، توسط قانون خاص تنظیم می‌گردد.»

<sup>۲۰</sup>. فقره (۱) ماده ۸۰، قانون اجراءات جزایی کشف جرم حسب احوال توسط پولیس و مؤلف امنیت ملی صورت می‌گردد. (۲) پولیس و مؤلف امنیت ملی با رعایت سایر احوال مندرج این قانون بعد از دریافت از اطلاع از وقوع جرم یا مشاهده علایم و آثار جرم به محل واقعه رفته و به فعالیت‌های ذیل اقدام می‌نماید: ۱. مشاهده محل واقعه و تثبیت و تصویر اوضاع و احوالی که بیانگر حدوث واقعه باشد. ۲. شناسائی نوع جرم، مرتکب و متضرر. ۳. گرفتاری و تلاشی مضمون در صورت لزوم. ۴. تشخیص اسناد و مدارک مربوط به جرم، مرتکب و نتایج مرتب برآن. ۵. شناسائی اشخاص حاضر در محل واقعه حین وقوع و تثبیت اظهارات مظنون، متضرر، مجنی علیه و شهود محل واقعه. ۶. اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور حفظ آثار وضبط اشیای متعلق به جرم. ۷. ترتیب محضر معاینات محل و سایر اجراءات مربوط. (۳) پولیس و مؤلف امنیت ملی مکلف‌اند، بعد از کشف جرم در خلال مدت ۲۴، ساعت موضوع را به خرنوال مربوط اطلاع دهد.»

کشف جرم مشهود را دارد.<sup>۲۱</sup> از این تحلیل به خوبی دانسته می‌شود که بررسی مرحله کشف جرم غیرمشهود در افغانستان، از صلاحیت ظابطان خاص قضایی است.<sup>۲۲</sup>

ضابطان خاص همان کسانی هستند که در همه جا و در همه وقت وظیفه ضابط را بر عهده ندارد، بلکه موارد خاص، مثل جرم غیرمشهود، بررسی و کشف آن از صلاحیت اصلی آن‌ها است. با توجه به این که طبق اساسات علم حقوق و قوانین، در جرم غیرمشهود، اصولاً پولیس صلاحیت پیگیری جرم را ندارد، پیگیری این جرائم در صلاحیت خرنوال یا قاضی می‌باشد؛ زیرا برخورد با این جرائم صلاحیت، تخصص و احتیاط بیشتر را می‌طلبد، به دلیل آن که جرائم غیرمشهود با حوزه حق خلوت یا حریم خصوصی افراد ارتباط می‌گیرد.

بنابراین، هرگاه گزارش‌های دال بر وقوع جرم غیر مشهود به پولیس برسد، پولیس مکلف است، بدون گرفتاری فرد یا افرادی و بدون نقض حریم خصوصی افراد (مانند داخل شدن به مسکن<sup>۲۳</sup> و غیره) شواهد و ادله را جمع‌آوری نموده و در اسرع وقت خرنوال را مطلع نموده، گزارش و اسناد و شواهد را به وی تحویل دهد. این در صلاحیت خرنوال است که براساس اطلاعات کشفی، جرم را تعقیب نماید یا با توجه به ادله و شواهد تشخیص دهد که جرمی واقع نشده و تعقیب لازم نیست.

البته قاعده فوق به این معنی نیست؛ که پولیس در جرم غیرمشهود هیچ مسؤولیتی ندارد. بلکه منظور آن است که پولیس تحت اوامر و ارشادات خرنوال و قاضی وظایف خویش را انجام می‌دهد. پولیس نیروی اجرایی خرنوال یا قاضی است که در امر حفظ شواهد، اسناد و ادله و جلب گرفتاری مظنونان، انجام تکلیف می‌نماید.

در نتیجه کشف جرم غیرمشهود از حوزه صلاحیت پولیس قضایی یعنی (خرنوال یا قاضی) می‌باشد، نه پولیس اداری، البته پولیس اداری زمانی می‌تواند جرم غیرمشهود را کشف نماید که اخذ جواز کشف آن را از خرنوالی یا محکمه به دست آورده باشد، در غیر آن قانون‌گذار، صلاحیت مستقل را به پولیس اداری در خصوص کشف جرم غیرمشهود واگذار نکرده است.<sup>۲۴</sup>

ولی در جرم مشهود پولیس اداری در خصوص کشف آن صلاحیت مستقل دارد. همچنان از فحوای ماده ۹۷ قانون اجراءات جزایی به خوبی دانسته می‌شود؛ که حالاتی وجود دارد که امر گرفتاری شخص تحت جلب از طرف خرنوال یا

---

<sup>۲۱</sup>. فقره‌های ۲، ۳، ماده ۸۰، قانون اجراءات جزایی: (۲) پولیس و مؤظف امنیت ملی با رعایت سایر احوال مندرج این قانون بعد از دریافت از اطلاع از وقوع جرم یا مشاهده علایم و آثار جرم به محل واقعه رفته و به فعالیت‌های ذیل اقدام می‌نماید: ۱. مشاهده محل واقعه و تثبیت و تصویر اوضاع و احوالیکه بیانگر حدوث واقعه باشد. ۲. شناسائی نوع جرم، مرتکب و متضرر. ۳. گرفتاری و تلاشی مظنون در صورت لزوم. ۴. تشخیص اسناد و مدارک مربوط به جرم، مرتکب و نتایج مرتب بر آن. ۵. شناسائی اشخاص حاضر در محل واقعه حین وقوع و تثبیت اظهارات مظنون، متضرر، مجنی علیه و شهود محل واقعه. ۶. اتخاذ تدابیر لازم به منظور حفظ آثار و ضبط اشیای متعلق به جرم. ۷. ترتیب محضر معاینات محل و سایر اجراءات مربوط. (۳) پولیس و مؤظف امنیت ملی مکلفاند بعد از کشف جرم در خلال مدت ۲۴ ساعت موضوع را به خرنوال مربوط اطلاع دهد.»

<sup>۲۲</sup>. چون از فقره (۳) ماده ۸۷، قانون اجراءات جزایی به خوبی دانسته می‌شود. «هرگاه در قضیه جرمی (جرائم موضوع ماده ۸۱ و بند ۳ ماده ۸۷، قانون اجراءات جزایی فعلی افغانستان)، مضمون تشخیص و گرفتار نشده باشد، پولیس مکلف است، تدابیر لازم را جهت تشخیص و گرفتاری وی اتخاذ نموده، حکم گرفتاری مظنونان را در صورت موجودیت دلایل از مرجع ذیصلاح اخذ و نتیجه را به خرنوالی مربوط گذارش دهد.»

<sup>۲۳</sup>. ماده ۳۸، قانون اساسی «مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص به شمول دولت، نمی‌تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزى که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید. در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می‌تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می‌کند قرار محکمه را حاصل نماید.»

<sup>۲۴</sup>. از فقره (۳) ماده ۸۷، قانون اجراءات جزایی به خوبی دانسته می‌شود. «هرگاه در قضیه جرمی (موضوع بند ۲، ماده ۸۱ و بند ۳ ماده ۸۷، قانون اجراءات جزایی فعلی افغانستان)، مضمون تشخیص و گرفتار نشده باشد، پولیس مکلف است، تدابیر لازم را جهت تشخیص و گرفتاری وی اتخاذ نموده، حکم گرفتاری مظنونان را در صورت موجودیت دلایل از مرجع ذیصلاح اخذ و نتیجه را به خرنوالی مربوط گذارش دهد.»



محکمه صادر و پولیس مکلف به گرفتار وی می‌گردد.<sup>۲۵</sup> اما در خصوص احضار شاکی با توجه به این که قانون رویه خاصی را مشخص نکرد به این جهت پولیس می‌تواند در هر زمان برای تسریع در روند تحقیقات از شاکی کمک بگیرد و شاکی خود برای پیگیری پرونده مراجعه کند لذا احضار شاکی به هر طریقی که پولیس مقتضی بداند معنی ندارد مگر اینکه جنبه ایذایی داشته باشد.<sup>۲۶</sup>

## ۱-۲. تسریع در بررسی صحنه جرم غیر مشهود

با توجه به این که صحنه جرم ممکن است با تأخیر ارگان‌های کشفی آثار و دلایل جرم به‌طور کلی یا جزئی نابود شود، لذا ضروری است که ضابطین دادگستری یا مأمورین کشفی به‌محض اطلاع از وقوع جرم در جرائم غیرمشهود مراتب را جهت کسب تکلیف به مقام خرنوالی یا محکمه اعلان و در جرائم غیر مشهود تمام اقدامات لازم را به‌منظور (حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل) جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام داده و بلافاصله به اطلاع مقامات تعقیبی برساند (شفیعی و صالحی، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

## ۲-۲. جمع‌آوری دلایل و اثبات جرم غیرمشهود

اساساً سؤال بحث این است، بعد از اینکه خرنوال، دلایل جرم غیرمشهود را کشف می‌نماید، برای اثبات آن چگونه اجراءات صورت می‌گیرد؟ برای پاسخ به این مهم باید گفت بعد از این که خرنوال جرم غیرمشهود را کشف کرد، برای اثبات آن تنها در محکمه از طریق ادله اثبات دعوی جزای ممکن است تا قبل از آن صرف در حد یک اتهام است. بر اساس حکم ماده ۲۰، قانون اجراءات جزایی افغانستان؛<sup>۲۷</sup> مأمور ضبط قضایی و خرنوال مکلف ساخته شده‌اند تا حین جمع‌آوری دلایل چه به نفع مظنون<sup>۲۸</sup> و متهم<sup>۲۹</sup> باشد و یا به ضرر آن یا علیه‌شان تمام دلایل را بی طرفانه جمع‌آوری، ثبت، ارزیابی و نگهداری نمایند. این امر در روشن شدن واقعیت قضیه جرمی مفید و مؤثر بوده و می‌تواند حالات مختلف را واضح ساخته در تثبیت واقعه جرمی و تشخیص مرتکب مؤثر واقع شود و به این ترتیب، از یک طرف مرتکب جرمی تثبیت شده می‌تواند و از جانبی هم مانع رسیدن آسیب و ضرر به دیگران می‌شود. در این راستا، بعد از اینکه خرنوال از کشف جرم و جمع‌آوری دلایل تحقیقات خود را کامل کردند، قضیه را جهت صدور رأی به محکمه می‌فرستند. در واقع اثبات جرم غیرمشهود تنها در دادگاه یا محکمه از طریق ادله اثبات دعوی

<sup>۲۵</sup> ماده ۹۷، قانون اجراءات جزایی تصریح می‌دارد: «هرگاه شخص مطلوب بدون داشتن عذر مؤجه از قبول امر احضار سرپیچی نماید یا خوف اخفا یا فرار وی با قرائن روشن مدلل باشد یا آزادی وی باعث ضیاع آثار و علائم جرمی گردد یا در حوزه مورد نظر محل سکونت معین نداشته باشد، امر گرفتاری وی حسب احوال از طرف خرنوال یا محکمه صادر و یا پولیس بر اساس این قانون به گرفتاری وی اقدام می‌نماید.»

<sup>۲۶</sup> ماده ۱۳، قانون پولیس افغانستان؛ (۱) پولیس می‌تواند در حالات آتی به جلب و احضار اشخاص اقدام نماید:

۱- به‌منظور کشف جرم و دریافت معلومات در یک قضیه معین طبق احکام مندرج قانون اجراءات جزایی.

۲- به‌منظور احقاق حق اشخاص مطابق قانون.

۳- به‌منظور تعمیم احکام قانون.

(۲) شخص که مطابق احکام قانون بنابر درخواست اشخاص و مراجع ذی‌صلاح حاضر نگردد، پولیس به جلب و احضار وی اقدام می‌نماید.

(۳) در تعیین وقت احضار، مکلفیت‌های مسلکی، حرفوی و سایر موارد ضروری شخص تحت جلب رعایت گردد.»

<sup>۲۷</sup> ماده ۲۰، قانون اجراءات جزایی «مأمور ضبط قضایی و خرنوال مکلف‌اند، جهت روشن شدن تمام حالات مربوط به قضیه، مطابق احکام قانون بدون در نظر داشت منفعت و ضرر مظنون و متهم به جمع‌آوری، ثبت، ارزیابی و نگهداری دلایل و مدارک اقدام نماید.»

<sup>۲۸</sup> فقره (۱۱) ماده ۴، قانون اجراءات جزایی «مظنون: شخصی است که به اساس سؤظن به نسبت ارتکاب جرم، تحت اشتباه قرار گرفته یا این که قبل از نسبت دادن اتهام به وی در مورد او تدابیر احتیاطی اتخاذ شده باشد.

<sup>۲۹</sup> فقره (۱۳) ماده ۴، قانون اجراءات جزایی «متهم: شخصی است که بنابر ارزیابی دلایل اثبات جمع‌آوری شده هنگام تحقیق، به حیث مرتکب جرم

تشخیص و اتهام بروی وارد گردیده باشد.»

جزایی ممکن است. در واقع جرم غیرمشهود تا قبل از رفتن به دادگاه یا محکمه و اعلام رأی از طرف خرنوال همچنان در حد اتهام است؛ اما بعد از این که در محکمه ثابت شده و قاضی برای آن مجازات تعیین کرد، یک جرم واقعی است، بنابراین تشکیل دادگاه در جرم غیرمشهود با دو هدف صورت می‌گیرد:

اثبات جرم؛ محکمه دلایل اثبات و نفی را ارزیابی نموده، با در نظر داشتن قوت و ضعف آن، حکم خود را مستند به دلایل مرجع قابل اعتبار قانونی صادر می‌نماید.

مأمور ضبط قضائی و خرنوال مکلفاند دلایل متعددی را تا حد امکان مبنی بر اثبات وقوع جرم و الزام مظنون یا متهم آن جمع‌آوری نمایند.

تعیین مجازات برای آن.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

براساس یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت که جرم غیرمشهود در قوانین تعریف نشده است. در قانون اجراءات جزایی افغانستان هیچ مصداقی از این نوع جرم را به‌طور صریح قانون‌گذار یادآور نگردیده است، اما با توجه به عبارات قانون‌گذار و با توجه به معنای این اصطلاح می‌توان گفت، جرم غیرمشهود جرمی است که در مکان در بسته و محصور که افراد حق دسترسی و رفت و آمد به آنجا را ندارند ارتکاب یابد.

شیوه‌های رسیدگی جرم غیرمشهود، با سایر جرائم تفاوت‌های زیاد دارد. در جرم غیرمشهود پولیس صلاحیت کشف جرم را ندارد؛ اما در سایر جرائم پولیس قانوناً و اصولاً صلاحیت پیگیری مجرم و کشف جرم را دارا می‌باشد، فلذا؛ کشف جرم غیر مشهود تنها در حوزه صلاحیت، پولیس قضائی (قاضی، خرنوال) است که در کشف جرم غیرمشهود صلاحیت مستقیم دارد، همچنان همین پولیس قضایی صلاحیت کشف جرم مشهود را هم در حالات که ایجاب نماید دارمی باشد؛ اما پولیس اداری با کسب اجازه از مقام خرنوالی یا محکمه می‌تواند جرم غیرمشهود را کشف نماید.

بنابراین، فرایند بررسی کشف جرم غیرمشهود در نظام حقوقی افغانستان طوری می‌باشد که پولیس وقوع جرمی که قبلاً رخ داده است، به دادستان اعلان می‌نماید، بعد از این صلاحیت دادستان است که خود وارد عمل شود به پولیس اجازه بدهد که در ساحه جرمی حاضر شود و اقداماتی که لازم است برای کشف جرم انجام دهد.

تا قبل از حکم دادگاه اشخاص مورد اتهام مضمون در قضیه‌اند، نه مجرم به‌خاطری که تا قبل از حکم محکمه موضوع مورد نظر صرف در حد یک اتهام است. بعد از رأی یا حکم محکمه با صلاحیت شخص مضمون در قضیه را می‌تواند مجرم جرم غیرمشهود دانست. این جرم تا آنجایی که بنده بررسی نموده‌ام است در قوانین بسیار از کشورها تعریف نشده است و در شیوه رسیدگی به آن مشکلات بسیاری دیده می‌شود. حتی در کشور فرانسه که مبدأ خانواده حقوقی رومن - ژرمن است، از جرم مشهود تعریف ارائه شده است، ولی از تعریف جرم غیرمشهود خبری نیست.

در پایان پیشنهاد می‌گردد که در قدم اولاً، قانون‌گذاران افغان، در قوانین جزایی کشور به‌طور صریح جرم غیرمشهود را تعریف نماید. چرا که در غیر این صورت، از یک طرف ممکن است که پولیس اداری بدون اینکه تشخیص دهد که جرم مشهود است یا غیرمشهود وارد عمل شده جرم غیرمشهود را مشهود جلوه دهد، از طرف دیگر، وارد شدن پولیس

---

<sup>۳۰</sup>. براساس ماده ۱۹، قانون اجراءات جزایی ادله یا دلایل اثبات جرم در دعوی جزای عبارت‌اند از: ۱. اقرارمتهم ۲. شهادت شهود ۳. اسناد ۴. شناسائی مضمون طور بالمواجهه درصاف ۵. قراین: مدارک آتی با رعایت درجه اهمیت در معاینات تخصصی به حیث ادله مادی محسوب می‌گردد؛ مانند آثار رده‌های انگشتان دست، کف دست پا، آثار دندان، آثار نوشته، آثار بالستیکی بالای مرمی و خول (کارتوس) آثار خون، آثار موی آثار الات و افزار فلزی وسایر مواد سخت آثار وسایط نقلیه آثار اسلحه ناربه و جارحه و مواد منفلقه و منفجره... وغیره

اداری در حوزه صلاحیت پولیس قضایی بدون اذن آنها، در واقع مشکل از عدم بیان جرم غیرمشهود، در قانون است که این موضوع باید صریحاً بیان شود.

**ثانیاً؛** پیشنهاد می‌گردد که قانون‌گذار مصداق‌های بارزی جرم غیرمشهود را مانند جرم مشهود بیان نماید تا تکلیف ارگان‌های کشفی در این مهم روشن شود، و جزای این دو جرم (مشهود و غیرمشهود) از هم دیگر تفکیک گردد و حوزه‌های صلاحیت مأمورین ضبط قضایی به‌طور صریح مثل سایر جرائم مشخص شود.

**ثالثاً؛** ایجاب می‌نماید که دکتترین حقوق در این زمینه اقدامات مهمی بخرچ دهد، این مسئله را مهم گرفته، با قانون‌گذاران کشور هم دست شود، موادهای مشخص در ضمایم قانون اجراءات جزایی در این خصوص اضافه نماید.

## منابع

۱. زنان، لارگیه، (۱۳۷۸)، آیین دادرسی کیفری فرانسه، مترجم، اسماعیل زاده، حسن کاشفی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲. دانش، حفیظ الله، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، کابل: انتشارات سیرت.
۳. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات میزان، چاپ بیست و نهم.
۴. آشوری، محمد، (۱۳۸۳)، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
۵. علامه، غلام حیدر، (۱۳۹۴)، اصول محاکمات جزایی، کابل: انتشارات دانشگاه ابن سینا.
۶. علامه، غلام حیدر، (۱۳۹۰)، عدالت جزایی در افغانستان (مجموعه مقالات) کابل: مؤسسه انتشارات عرفان.
۷. استفانی، گاستون، برنابربولک، ژرژلواستور، (ترجمه دکتر حسن دادبان، آیین دادرسی ۱۳۷۷)، کیفری، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. صالحی، محمد شفیق، (۱۳۹۵)، اصول محاکمات جزائی، کابل: انتشارات نوی مستقبل، چاپ دوم.
۹. عوده، عبدالقادر، (بی تا)، التشریح الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی ج ۱، قاهره: دارالتراث.
۱۰. قانون اساسی، (۱۳۸۲)، جریده رسمی وزارت عدلیه، شماره مسلسل (۱۰۳).
۱۱. قانون اجراءات جزایی، (۱۳۹۲)، جریده رسمی وزارت عدلیه، شماره مسلسل (۱۱۳۲).
۱۲. قانون پولیس، (۱۳۸۸)، جریده رسمی وزارت عدلیه، شماره مسلسل (۹۹۴).
۱۳. کود جزا، (۱۳۹۶)، جریده رسمی وزارت عدلیه، شماره مسلسل (۱۲۶۰).